

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۷، ۶۸ - ۳۹

نقش باز بودن اقتصاد در درجه تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر صادرات کشورهای آسیایی و اقیانوسیه: درسی برای اقتصاد ایران

دکتر سید کمیل طیبی * روح‌اله بابکی **

پذیرش: ۸۷/۱۰/۸

دریافت: ۸۶/۹/۳

باز بودن اقتصاد / سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی / صادرات / کشورهای آسیایی و
اقیانوسیه / داده‌های تابلویی

چکیده

افزایش فزاینده جابه‌جایی بین‌المللی سرمایه، همسو با ازدیاد تعداد کشورهایایی است که به شرایط اقتصاد باز روی آورده و برون‌گرایی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان یکی از سیاست‌های اقتصادی خود تلقی می‌نمایند. لذا هدف این تحقیق، بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشورهای میزبان است. الگوی مورد بررسی برای این هدف، با روش داده‌های تابلویی برای ۲۴ کشور (شامل ۱۲ کشور شرق آسیا و اقیانوسیه و ۱۲ کشور غرب آسیا) طی سال‌های

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

Komail@econ.ui.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشگاه بجنورد

Babaki83@yahoo.com

■ روح‌اله بابکی مسئول مکاتبات

۱۹۹۵-۲۰۰۵ برآورد شده است.

بر اساس نتایج، متغیر درجه باز بودن اقتصاد در اثرگذاری سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات این کشورها نقش مثبت و معنی داری را بازی می کند. از این رو به کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران توصیه می شود که برای اثرگذاری بیشتر این نوع سرمایه گذاری ها و بهره برداری بیشتر از منافع آن، راهبرد برون گرایی را در تجارت خارجی خود اتخاذ نمایند و شرایط را برای صادرات تسهیل نمایند.

طبقه بندی JEL: F21, N75, F10, C23

مقدمه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکاف بین منابع پس انداز ملی و نیازهای سرمایه‌گذاری و همچنین عدم تعادل بین هزینه‌ها و درآمدهای ارزی موجب می‌گردد که این کشورها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی و برای تکمیل منابع داخلی به منابع خارجی به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند.^۱ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری غیر مستقیم خارجی از جمله منابع باثبات و پایدار برای تأمین مالی خارجی است که نه تنها مشکلات استقراض خارجی را ندارد بلکه عاملی برای جبران کمبود سرمایه کشورها به حساب می‌آید.

در عمل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب پر شدن شکاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری و همچنین درآمدهای مالیاتی هدف‌گذاری شده دولت و درآمدهای مالیاتی تحقق یافته می‌شود. از جمله مزایای دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، می‌توان به بهره‌گیری از بزرگی مقیاس تولید، گردش بیشتر منابع مالی در نظام مالی کشور میزبان، افزایش قدرت چانه‌زنی و قدرت سیاسی این کشورها به دلیل بسط روابط تجاری و سرمایه‌گذاری با سایر کشورها و همچنین افزایش کیفیت کالاها و خدمات به دلیل افزایش رقابت اشاره نمود.^۲

در اواخر دهه ۱۹۶۰، برخی از کشورهای در حال توسعه آسیا به گونه‌ای موفقیت‌آمیز از سرمایه‌گذاری مستقیم بنگاه‌های خارجی به سود راهبرد رشد مبتنی بر صادرات بهره‌بردند. در نتیجه کشورهای بیشتری در جهان تشخیص دادند که فواید خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشور میزبان، بیشتر تابعی از سیاست‌های دولت و ظرفیت جذب این نوع سرمایه‌گذاری در کشور بوده تا متأثر از استراتژی شرکت‌های

۱. عباسی، ۱۳۸۲.

۲. ملکی، ۱۳۸۲.

سرمایه‌گذار خارجی باشد. از این رو، سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه به این حقیقت پی بردند که با در پیش گرفتن سیاست‌های معقول و مناسب تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ابزار مفیدی برای رشد صادرات کشور میزبان باشد.^۱

افزایش فزاینده جابه‌جایی بین‌المللی سرمایه، همسو با ازدیاد تعداد کشورهای است که به شرایط اقتصاد باز روی آورده و آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری را به عنوان یکی از سیاست‌های اقتصادی خود تلقی می‌نمایند. از این رو هدف این تحقیق، بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کشورهای میزبان است.

این مقاله از ۴ بخش تشکیل شده است: بخش دوم به ادبیات موضوع می‌پردازد. بخش سوم، شامل ارئه الگو، داده‌ها، تخمین و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن است و بخش چهارم نیز نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات را در بر می‌گیرد.

۱. ادبیات موضوع

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی است که کشور سرمایه‌گذار به طور مستقیم در دارایی‌ها و منابع کشور سرمایه‌پذیر انجام می‌دهد. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار خارجی با حضور فیزیکی در محل سرمایه‌گذاری و قبول مسئولیت‌های مالی، به طور مستقیم کنترل و اداره واحد را در کشور میزبان در دست دارد.^۲ تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه شده است. از نظر آنکتاد^۳، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتست از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت

1 . Sebastian (1993)

۲ . بهنام مجتهدی، (۱۳۷۳).

3 . United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول^۱، سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از این سرمایه‌گذاری، آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد^۲.

از دیدگاه دیگر، با افزایش روز افزون مشکلات ترازپرداخت‌ها و همچنین بحران بدهی‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه و در نتیجه کاهش کمک‌ها و وام‌های خارجی، دگرگونی‌های زیادی در نگرش کشورهای در حال توسعه نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پدید آمده است. بسیاری از این کشورها به ارزیابی دوباره مواضع خود در برابر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته و گام‌های اساسی یک سویه در جهت آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشور برداشته‌اند و در واقع، نوعی رقابت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بین کشورهای کمتر توسعه یافته پدید آمده است.

بررسی روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دهه پایانی قرن بیستم، حاکی از سهم قابل توجه در نقل و انتقال بین‌المللی سرمایه است. کشورهای در حال توسعه نیز طی دو دهه گذشته با تغییرات چشمگیری که در برنامه‌های اقتصادی خود ایجاد کرده‌اند، توانستند موقعیت خود را در جهان بهبود بخشند. در مجموع، کشورهای در حال توسعه در جذب جریان رو به افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موفق عمل نموده‌اند، به طوری که حجم جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ به این کشورها از ۳۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، ۲۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ و ۱۹۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ رسید. اما سهم کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ با وجود کاهش حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان (نسبت به سال

1 . International Monetary Found (IMF)

۲. بهکیش، (۱۳۸۴).

3 . Inward FDI

قبل) افزایش پیدا کرده است. در بین کشورهای در حال توسعه، کشورهای جنوب شرقی آسیا از عمده‌ترین جذب کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شوند. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق مختلف جهان، تا سال ۲۰۰۳ همچنان از روند کاهشی برخوردار بوده است و عمده‌ترین دلیل کاهش آن، کم شدن رشد اقتصاد جهانی و امنیت سرمایه‌گذاری بوده است. همچنین مواردی از قبیل چشم‌انداز مبهم اقتصاد جهانی، کاهش ارزش سهام و سودآوری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی و همچنین کندی روند اصلاح ساختارهای مالی و سرمایه‌گذاری، از عوامل دیگر کاهش جریان سرمایه‌گذاری جهانی ذکر شده است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۴ با یک افزایش روبه‌رو شد، که نشان‌دهنده جهش کوچکی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهانی، بعد از ۳ سال روند نزولی این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بود. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان در سال ۲۰۰۴ از ۲ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۳ برخوردار بوده است. کشور آمریکا، موقعیت خود را به عنوان اولین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان همچنان حفظ کرده است و پس از آن، کشورهای انگلستان و چین در رتبه‌های بعدی قرار دارند.^۱

جدول (۱)، روند جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سطح جهان و به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و همچنین سهم هر کدام را در طی سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۵ نشان می‌دهند.

جدول ۱ - جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان (۲۰۰۶-۱۹۹۵)

میلیارد دلار^۲

منطقه	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
جهان	۷۴۰/۷	۸۳۲/۶	۶۲۲/۰	۵۶۴/۱	۷۴۲/۱	۹۴۵/۳	۱۳۰۵/۹
کشورهای توسعه یافته	۵۴۳/۹	۶۰۹/۰	۴۴۲/۳	۳۶۱/۲	۴۱۸/۹	۵۹۰/۳	۸۷۵/۵
	(۷۳/۴)	(۷۳/۲)	(۷۱/۱)	(۶۴/۰)	(۵۶/۴)	(۶۲/۴)	(۵۶/۷)

۱. آنکتاد، (۲۰۰۵).

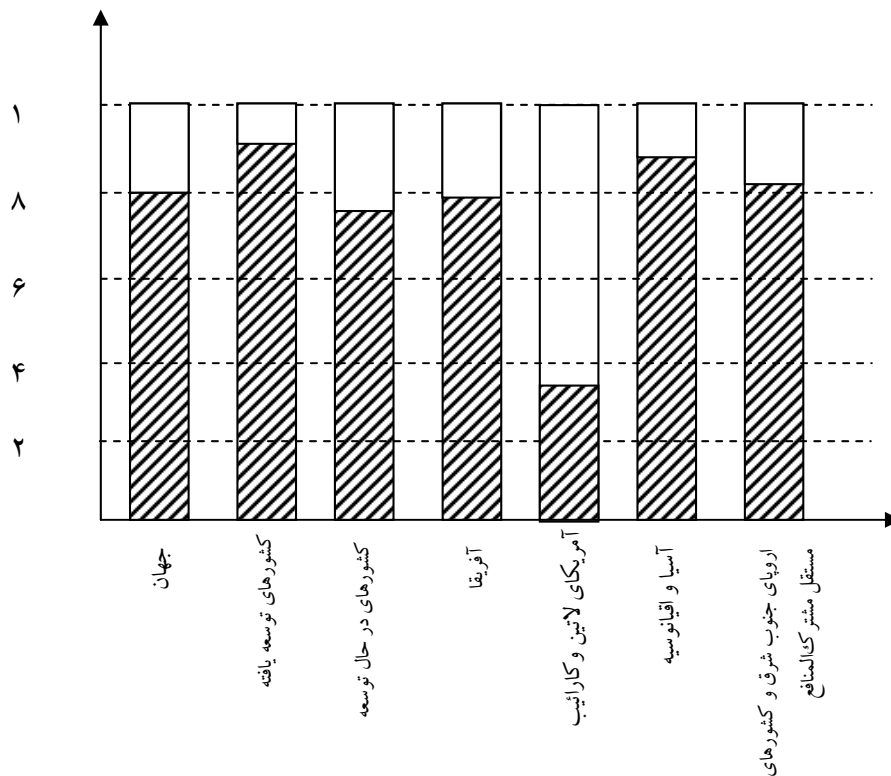
۲. اعداد داخل پرانتز، نشان‌دهنده سهم آن‌ها به درصد است.

منطقه	۱۹۹۵-۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
کشورهای در حال توسعه	۱۸۸/۰ (۲۵/۴)	۲۱۲/۰ (۲۵/۵)	۱۶۶/۳ (۲۶/۷)	۱۷۸/۷ (۳۱/۷)	۲۸۳/۰ (۳۸/۱)	۳۱۴/۳ (۳۳/۲)	۳۷۹/۱ (۲۹/۰)
آفریقا	۹/۰	۲۰/۰	۱۳/۶	۱۸/۷	۱۸/۰	۲۹/۶	۳۵/۵
آمریکای لاتین و کارائیب	۷۲/۶	۷۸/۵	۵۴/۳	۴۴/۷	۹۴/۳	۷۵/۵	۸۳/۸
آسیا و اقیانوسیه	۱۰۶/۳	۱۱۳/۶	۹۸/۴	۱۱۵/۳	۱۷۰/۷	۲۰۹/۱	۲۵۹/۸
اروپای جنوب شرق و کشورهای مستقل مشترک المنافع	۸/۸ (۱/۲)	۱۱/۵ (۱/۴)	۱۳/۴ (۲/۲)	۲۴/۲ (۴/۳)	۴۰/۳ (۵/۴)	۴۱/۲ (۴/۴)	۶۹/۳ (۵/۳)

منبع: UNCTAD, World Investment Report (2007)

بر اساس گزارش آنکتاد (۲۰۰۵)، تعداد کشورهایی که شروع به ایجاد تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری خود کرده‌اند، به طور فزاینده‌ای در حال افزایش هستند. همان‌طور که آنکتاد در گزارش جهانی سرمایه‌گذاری (۲۰۰۵) نشان می‌دهد، تعداد این کشورها از ۴۳ کشور در سال ۱۹۹۲، به ۱۰۲ کشور در سال ۲۰۰۴ رسیده است. بر این اساس این جدول، در سال ۲۰۰۴، در سطح جهان ۲۷۰ مورد تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری صورت گرفته که از این تعداد، ۲۳۴ مورد آن در جهت تمایل بیشتر به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است.

همچنین، آنکتاد در گزارش جهانی سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶، تغییرات قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری را در مناطق مختلف جهان که در سال ۲۰۰۵ پدید آمده است، ارائه می‌دهد (شکل ۱). همان‌طور که از شکل (۱) مشخص است، در سال ۲۰۰۵ بیشترین درصد تغییرات در قوانین سرمایه‌گذاری، در آسیا و اقیانوسیه و کم‌ترین آن، در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب بوده است. همچنین در این سال، درصد تغییرات در قوانین سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه نیز بیشتر بوده است.



شکل ۱- تغییرات قوانین سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف جهان در سال ۲۰۰۵^۱
(به درصد)

۱-۱. رابطه راهبرد تجارت خارجی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

اساساً کشورهایی که راهبرد جایگزینی واردات را در پیش می‌گیرند، از مزیت نسبی در بخش‌های سرمایه‌بر خوردار نیستند، لذا با توجه به این که سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در بخش‌های سرمایه‌بر استفاده می‌شود. از این رو، سرمایه‌گذاری خارجی اثر لازم را بر رشد اقتصادی نمی‌گذارند. از طرفی، سرمایه‌گذاری خارجی راهی برای ورود بنگاه‌های خارجی برای فعالیت اقتصادی در کشور دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی است که این امر با اهداف راهبرد جایگزینی واردات در تضاد است.

۱. گزارش سرمایه‌گذاری جهانی (۲۰۰۶).

اما در خصوص راهبرد توسعه صادرات، وضعیت فرق می‌کند. تحت این راهبرد، با توجه به نیروی کار و مواد اولیه ارزان این‌گونه کشورها، سرمایه‌گذاران خارجی برای استفاده از این نهاده‌های ارزان انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری دارند. از طرف دیگر، وقتی راهبرد توسعه صادرات حاکم است، بازار محصول داخلی محدود به مرزهای داخلی کشور مزبور نیست، بلکه فراتر از بازار داخلی و در سطح بین‌المللی، از مقیاس بزرگ اقتصادی استفاده می‌کند.^۱

سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط مطلوب برای جذب آن، از اهرم‌های مهم توسعه صادرات است. به عبارت دیگر، اجرای رویکرد توسعه صادرات در عمل، نیازمند مشارکت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طرف شرکت‌های چندملیتی، در زمینه انتقال دانش فنی، مهارت‌های مدیریت و بازاریابی می‌باشد. جذب سرمایه خارجی برای اغلب رهروان توسعه صادرات، موفقیت محسوب می‌شود. آنان سرمایه‌گذاری خارجی را نه حلقه‌های وابستگی، بلکه حلقه‌های تولید و اقتصاد می‌شمارند و معمولاً به چهار طریق، حمایت در برابر خطرات غیر تجاری، امکان خروج آزاد سرمایه، معافیت‌های گمرکی برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد خام مورد نیاز صنایع صادراتی و سایر مشوق‌های مالی، شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم می‌آورند. بنابراین در مجموع، راهبرد جایگزینی واردات (راهبرد درون‌گرایی) برای جذب و هدایت سرمایه‌گذاری خارجی مستعد به نظر نمی‌رسد، در صورتی که راهبرد توسعه صادرات (راهبرد برون‌گرایی)، شرایط و فضای مناسب را برای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی را دارد.^۲ از آنجایی که هدف این تحقیق، بررسی تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات است، از این رو در این بخش، نظریه باگواتی در زمینه نقش راهبرد تجارت خارجی در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی تشریح می‌گردد. به عبارت دیگر، می‌توان به بررسی این سؤال پرداخت که آیا نظریه باگواتی در مورد صادرات نیز صادق است.

۱. یاوری و سعادت، (۱۳۸۴).

۲. اخوی، (۱۳۷۳).

نظریه اثر راهبرد تجاری بر رشد ناشی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اولین بار توسط باگواتی^۱ در سال ۱۹۷۸ عنوان شد. مسأله مطرح شده در این ارتباط، چگونگی و میزان اثر سیاست‌ها و راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات بر رشد حاصل از سرمایه مستقیم خارجی بود. وی در نظریه خود که به نظریه باگواتی مشهور است، بیان می‌کند که کارایی ناشی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بسته به این که کشور میزبان به دنبال استراتژی توسعه صادرات باشد یا جایگزینی واردات، متفاوت خواهد بود. او چنین استدلال می‌کند که استراتژی توسعه صادرات، میانگین نرخ ارز مؤثر در صادرات را با میانگین نرخ ارز مؤثر واردات برابر می‌سازد. بنابراین این استراتژی از نظر تجارت، خنثی است، یا به عبارت دیگر تورشی ندارد. اما در طرف مقابل، استراتژی جایگزینی واردات منجر به افزایش نرخ ارز مؤثر وارداتی نسبت به نرخ ارز مؤثر صادراتی می‌شود. از این رو، این سیاست به سمت حمایت از فعالیت‌های جانشین واردات تورش دارد.

باگواتی چنین استدلال می‌کند که در مقایسه با استراتژی جایگزینی واردات، استراتژی توسعه صادرات گرایش بیشتری به جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی دارد. علاوه بر این در استراتژی توسعه صادرات، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت کارا تر در پیشبرد رشد اقتصادی عمل می‌کند، زیرا وابستگی شدید استراتژی جایگزینی واردات به تعرفه‌ها و سهمیه‌های تجاری به عنوان ابزارهای اصلی این استراتژی، منجر به اختلالات عظیمی در بازارهای محصول و عوامل می‌شود و از روش‌های تولیدی که شدیداً با موجودی عوامل در اقتصاد متفاوت است، استفاده می‌کند. بدین ترتیب، نه تنها سرمایه گذاری مستقیم خارجی کمتری جذب می‌شود، بلکه رشد اقتصادی کمتری با جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی حاصل خواهد شد.^۲

از سوی دیگر، تحت سیاست جایگزینی واردات، حمایت شدید دولت از صنایع داخلی به سرمایه گذاران خارجی اجازه رقابت با این صنایع را نمی‌دهد. بنابراین، سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر جذب صنایع محلی می‌شود که ظرفیت و استعداد لازم را

1. Bhagwati

۲. مهدوی، (۱۳۸۳).

برای به کارگیری این سرمایه‌ها ندارند. از این رو، سرمایه‌گذاری خارجی بازدهی لازم را ندارد. در نتیجه، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی پایین می‌آید.^۱

در طرف مقابل در استراتژی توسعه صادرات، تأکید بر خنثی بودن سیاست بین بخش‌های وارداتی و صادراتی است. بنابراین، این استراتژی می‌تواند منجر به بازار آزاد حرکت عوامل و تخصیص منابع بر اساس مزیت نسبی شود. بدین ترتیب، نه تنها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری به کشور وارد می‌شود، بلکه رشد اقتصادی بیشتری با جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به وجود می‌آید، زیرا رقابت به وجود آمده منجر به تشویق فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) و سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی می‌شود که بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا منجر به رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد.

۱-۲. تجربه چین و کره جنوبی در زمینه FDI و تجارت (با توجه به راهبرد تجارت خارجی)

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت کشورهای میزبان، بستگی به شرایط محیطی ایجاد شده، بر اساس نوع راهبرد تجارت خارجی اتخاذ شده دارد، به طوری که در تعداد زیادی از کشورهای شرق آسیا، اتخاذ راهبرد برون‌گرایی توسعه صادرات با گرایش به خلق مزیت نسبی، امکان بهره‌مندی از اثرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم آورده است. شواهد موجود گویای آن است که تعداد زیادی از کشورهای شرق آسیا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با سیاست برون‌گرایی و آزادسازی اقتصادی، بر پایه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توانسته‌اند به صادرات صنعتی خود رونق بخشند. از این رو، تجارب کشورهای چین و کره جنوبی، در این زمینه تشریح خواهد شد.

۱-۲-۱. تجربه چین

چین در سال ۱۹۷۹، گذر از نظام سوسیالیستی به بازار آزاد را با رویکرد توسعه صادرات، که بر آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بود، شروع کرد. به

۱. یآوری و سعادت، ۱۳۸۴.

طوری که در دوره ۹۰-۱۹۸۰ با رشد فوق‌العاده سالانه تولید ناخالص داخلی ۹/۵ درصد، نرخ افزایش سالانه صادرات ۱۱ درصد و واردات ۹/۷ درصد روبه‌رو بوده است. گسترش صادرات به طور عمده، از مشارکت فعال دولت‌های محلی و سرمایه‌گذاران خارجی مخصوصاً هنگ‌کنگ و تایوانی ناشی می‌شود.

رشد پرشتاب صادرات چین از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۲۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با افزایش محسوس سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ همراه بود که تنها رقابت‌پذیری ساختار صادراتی چین را در همه بازارها (به ویژه در زمینه کالاهای دانش‌بر) تقویت کرده است. در سال ۱۹۸۵، سهم صادرات مواد اولیه و کالاهای مبتنی بر منابع از کل صادرات چین ۴۹ درصد بود، در حالی که این سهم در سال ۲۰۰۰ به ۱۲ درصد رسیده و صادرات کالاهای صنعتی فناوری‌بر به ۸۷ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۹، سهم شعب شرکت‌های خارجی از کل صادرات چین کمتر از ۹ درصد بوده که در سال ۲۰۰۱ به ۴۸ درصد رسیده است. بیش از ۹۰ درصد صادرات شرکت‌های چندملیتی مربوط به کالاهای صنعتی، ماشین‌ها و تجهیزات بوده است. سهم صادرات شعب خارجی در صنایع فناوری‌بر از ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۸۱ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است.^۱

چین، خط‌مشی شفاف را در مورد سرمایه‌گذاری خارجی به اجرا درآورده است. از جمله سیاست‌هایی که برای تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته شده است، اعطای ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به واحد تولیدی مشترک (سهم سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند تا ۱۰۰ درصد افزایش یابد)، همچنین سیاست‌های اشتغال، دستمزد و قیمت‌گذاری در مورد سرمایه‌گذاری مشترک انعطاف‌پذیر است. علاوه بر این، دولت چین از مناطق آزاد تجاری-صنعتی در قالب مناطق ویژه اقتصادی، به عنوان ابزاری جهت گسترش تجارت خارجی، جذب سرمایه و دانش فنی و بالا بردن کیفیت تولید استفاده کرده است.

۱. کازرونی، (۱۳۸۲).

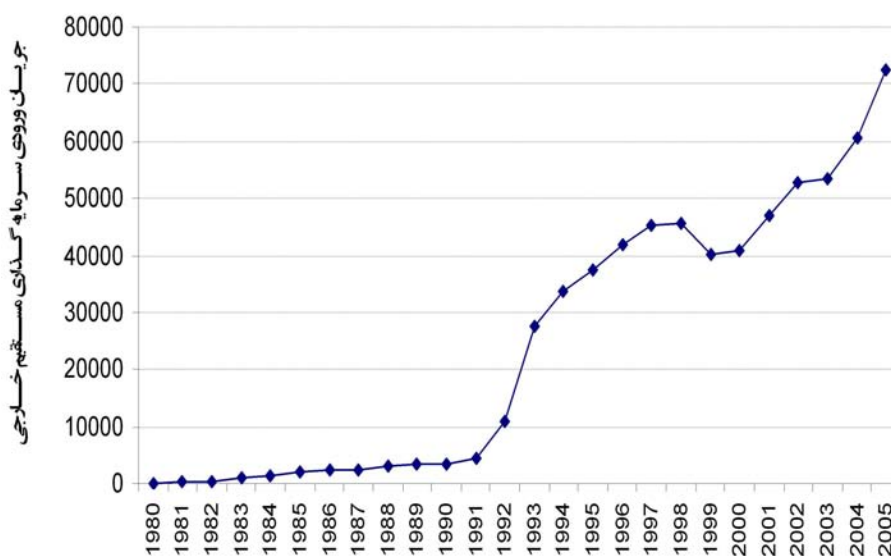
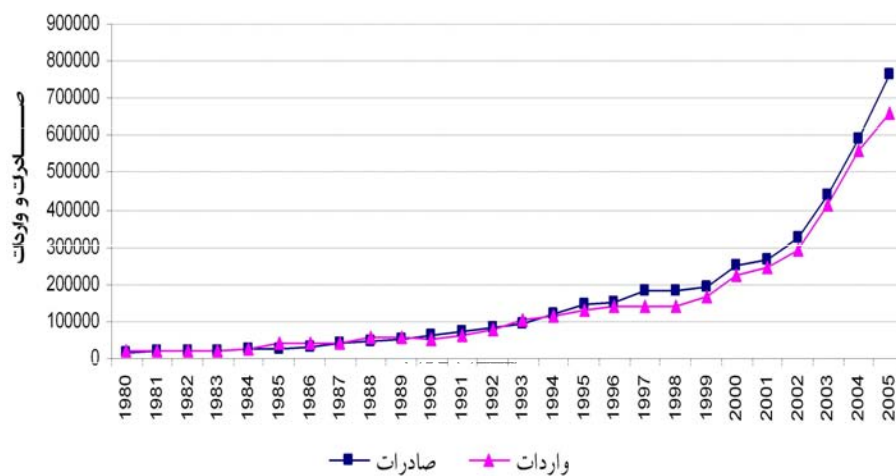
در دهه ۱۹۸۰، منطقه ویژه اقتصادی شانتو^۱، شن زن^۲، زوهایی^۳، هینان^۴ و تیامن^۵ ایجاد گردید. هدف از تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق، به منظور اجتناب از تأثیرگذاری آن‌ها بر امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بوده است. زیرا با تمرکز این سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق ویژه و با وضع قوانین خاص در این مناطق، می‌توان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و پیامدهای جانبی آن‌ها را با سهولت بیشتری کنترل کرد. کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چین در سال ۱۹۹۲ به ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد که بیشتر آن‌ها در مناطق ویژه اقتصادی استان‌های گواندونگ و فوجیان از طرف هنگ‌کنگ و تایوان صورت گرفته است.

در این مناطق ویژه اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری خارجی با شرایط آزادتری انجام می‌گیرد و در اصل به عنوان نقاط تمرکز سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی عمل می‌کند. کلیه مواد اولیه وارداتی که در کالاهای صادراتی استفاده شده، یا در داخل منطقه فروخته می‌شود، از حقوق گمرکی وارداتی و مالیات‌های غیر مستقیم دیگر معاف است. در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با توجه به مقدار سرمایه‌گذاری و ماهیت دانش فنی و طول دوره پروژه تا ۵ سال معافیت مالیاتی وجود دارد. برای نمونه، در سال ۱۹۹۰ در حدود یک سوم کل جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در استان گواندونگ بوده و صادرات این استان به میزان یک پنجم کل صادرات چین بوده است. در واقع در سال ۱۹۹۰، ۲۵ درصد از کل پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این مناطق آزاد صورت گرفته و موجب گردیده است که تراز بازرگانی چین بعد از ۱۹۹۰ با مازاد مواجه شود (پاکدامن، ۱۳۷۲). البته عامل مثبت دیگر در توسعه صادرات چین قرارداد کامله‌الوداد تجاری با آمریکا بوده که امکان بهره‌برداری از بازار وسیع آمریکا را برای چین فراهم نموده است.

در شکل (۲) می‌توان ارتباط بین میزان جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

-
- 1 . Shantou
 - 2 . Shenzhen
 - 3 . Zhohai
 - 4 . Hainan
 - 5 . Tiamen

در چین را با میزان صادرات و واردات این کشور را در طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۵ مشاهده کرد.



شکل ۲ - مقایسه میزان جریان ورودی FDI به چین با صادرات و واردات این کشور (به میلیون دلار)^۱

^۱ . سایت آنکتاد، (۲۰۰۷).

۲-۱-۲. تجربه کره جنوبی

کشور کره جنوبی به لحاظ عدم برخورداری از منابع طبیعی و همچنین کمبود سرمایه جهت اجرای پروژه‌های عمرانی خود، به سرمایه و امکانات مالی و دانش فنی خارجی متکی است. از این رو، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره، نه تنها به عنوان انتقال دانش فنی به این کشور محسوب شده، بلکه با اعطای آزادی بیشتر به تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و تقلید و استفاده از تجربیات شرکت‌های چندملیتی، بیشترین استفاده از آن‌ها (روش‌های تولید، مدیریت صنایع و بازاریابی بین‌المللی) را در جهت ارتقاء مزیت نسبی خود کرده است. بی‌تردید، موفقیت کره جنوبی در گرو جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تخصیص منابع بر اساس نیازهای خارجی بوده است.

برای این منظور، کشور کره جنوبی تلاش کرده است تا شرایط مناسبی را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایجاد نماید. در دهه ۱۹۶۰، این کشور همانند سایر کشورهای در حال توسعه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تسهیلات و امتیازات زیادی را در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری خارجی قرار داد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تعهد عدم ملی کردن صنایع، انتقال آزاد سود فارغ از هر گونه ممانعت و نیز معافیت‌های مالیاتی و در گروهی از صنایع، سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا صد در صد مالکیت صنایع را داشته باشند. معافیت مالیاتی، شامل معافیت کامل از پرداخت مالیات بر درآمد در ۵ سال اول و معافیت از مالیات بر ثروت و دارایی و حقوق گمرکی.

۲. با ایجاد مناطق آزاد "ماسان" در سال ۱۹۷۱ و "ایری" در سال ۱۹۷۵ بود که دولت کره جنوبی در صدد تشویق مؤثر سرمایه‌گذاری خارجی برآمد. مناطق آزاد به منظور ترغیب سرمایه‌گذارانی که تمایل به صدور کلیه تولیدات خود به خارج داشته و حداقل رابطه را با اقتصاد داخلی می‌طلبند، ایجاد شده است. در صورتی که مؤسسات تولیدی از یکی از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند، می‌توانند در این مناطق به فعالیت بپردازند:
الف- مؤسساتی که کالاهای صادراتی را تولید و تکمیل و یا مونتاژ می‌کنند.

ب- مؤسساتی که منحصراً در مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی قرار دارند.

ج- سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان سرمایه‌گذاران خارجی و کره‌ای که در آن بیش از ۵۰ درصد سهم سرمایه‌گذار خارجی به صورت نقدی پرداخت شده باشد. صدور مجوز برای سرمایه‌گذاری خارجی در کوتاه‌ترین زمان به عمل می‌آید.

این مناطق، مزایایی را برای سرمایه‌گذار خارجی در نظر می‌گیرد. از جمله آن که در این مناطق، شرکت‌هایی که با سرمایه خارجی تأسیس شده‌اند، می‌توانند مواد اولیه یا کالاهای نیمه ساخته را با معافیت حقوق گمرکی وارد کرده و بعد از تغییر شکل یا مونتاژ به صدور محصولات صادراتی مبادرت نمایند. همچنین این مناطق، انواع تسهیلات مورد نیاز از قبیل زمین، تجهیزات، جاده، امکانات تخلیه و بارگیری، لنگرگاه و برق و آب را تأمین می‌نماید.

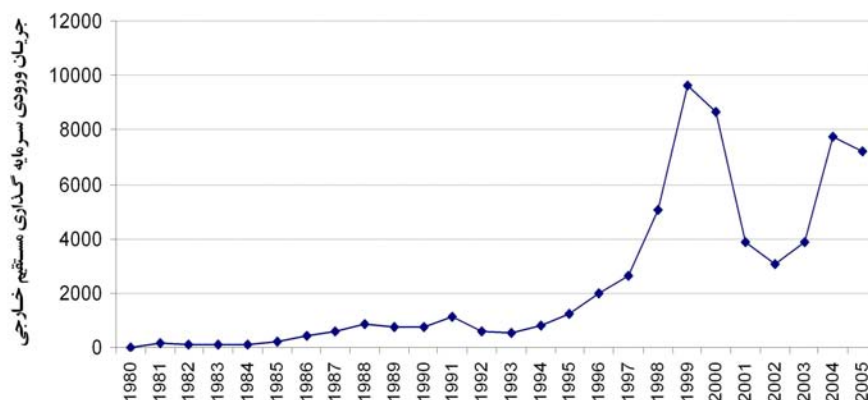
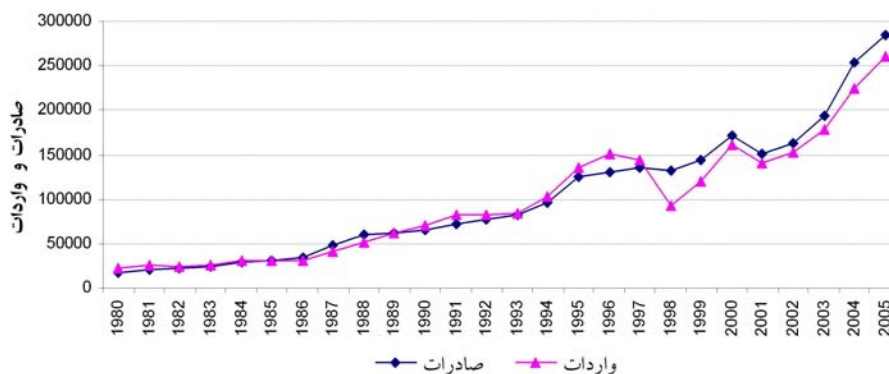
کره جنوبی، پذیرش سرمایه‌های مستقیم خارجی را منوط به شرایطی ساخته که عمدتاً این سرمایه‌ها باید در جهت کاهش کسری تجاری، ایجاد اشتغال و توسعه دانش فنی در این کشور به کار گرفته شود. علاوه بر این، کره جنوبی به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه سرمایه‌گذاری در صنعتی را می‌دهد که مطمئن است، توانایی صدور تولیدات آن را به خارج دارد و می‌تواند با کشورهای دیگر در بازارهای جهانی به رقابت بپردازد. از آن جایی که استفاده از برتری‌های نسبی، پایه و اساس سیاست اقتصادی کره را تشکیل می‌دهد، سرمایه‌گذاران خارجی را در درجه اول به احداث صنایعی تشویق می‌کند که کشورهای صنعتی پیشرفته به دلایل گوناگون از جمله بالابودن سطح دستمزدها، برتری نسبی را در آن صنعت از دست داده و ادامه تولید برای آن‌ها مقدور نیست.

تا سال ۱۹۶۲، به دلیل پایین بودن سطح دانش فنی، اقلام عمده صادراتی بیشتر مواد اولیه بود، به طوری که در سال ۱۹۶۲، ۸۰ درصد از کل صادرات را مواد اولیه و تنها ۲۰ درصد از آن را محصولات صنعتی تشکیل می‌داد. واردات دانش فنی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حمایت‌های مالی دولت از صنایع کاربر، ترکیب صادرات را به سرعت دگرگون کرد، به طوری که در پایان برنامه پنجم تا سال ۱۹۸۶، سهم مواد اولیه از کل صادرات به ۸ درصد کاهش و سهم بخش صنعت به ۹۲ درصد افزایش یافت.

(سعیدی پور و فاضل، ۱۳۶۹).

در بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۵، صادرات کره جنوبی ۶ برابر شده و از ۳۰ میلیارد دلار به ۱۷۲ میلیارد دلار رسیده است. در همین دوره، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور از ۲۰۰ میلیون دلار به ۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. این کشور رتبه چهارم را از لحاظ افزایش صدور کالاهای فناوری بر داشته و سهم این کالاها از کل صادرات کره جنوبی، از ۱۴ درصد به ۳۸ درصد در طول این سال‌ها رسیده است (کازرونی، ۱۳۸۲).

در شکل (۳) می‌توان ارتباط بین میزان جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره جنوبی را با میزان صادرات و واردات این کشور را در طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰ مشاهده کرد.



شکل ۳- مقایسه میزان جریان ورودی FDI به کره جنوبی با صادرات و واردات این کشور (به میلیون دلار)

۲. ارائه الگو و تجزیه و تحلیل نتایج

۲-۱. ارائه الگو

در این تحقیق، به منظور بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کشورهای منتخب، الگویی ارائه می شود که از ترکیب دو مدل وین هولد (۱۹۹۹)^۱ و اوایلوف (۲۰۰۵)^۲ به دست آمده است.

وین هولد (۱۹۹۹)، الگوی پویای زیر را برای بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ارائه داده است:

(۱)

$$GGDP_{it} = f(GGDP_{it-1}, GGDI_{it-1}, GDFI_{it-1}, GEXP_{it-1}, INFL_{it-1}, INTER_{it-1})$$

متغیرهایی که در الگوی وی استفاده شده، عبارتند از: GGDP رشد تولید ناخالص داخلی، GGDI رشد سرمایه گذاری ناخالص داخلی، GFDI رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی، GEXP رشد صادرات، INLF نرخ تورم (که خودش به صورت رشد است، لذا برای آن نرخ رشد حساب نشده است) و INTER که این متغیر از اثر ضریبی FDI و GDI با متغیرهای OP (درجه باز بودن اقتصادی) و HK (سرمایه انسانی) به دست می آید، شامل FDIOP، GDIOP، FDIHK و GDIHK می باشد. اثر این چهار متغیر در چهار الگوی جداگانه بررسی می شود. به عنوان نمونه، مثبت بودن ضریب متغیر FDIOP نشان می دهد که هرچه درجه باز بودن اقتصادی بیشتر باشد، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، اثر بیشتری بر رشد اقتصادی خواهد گذاشت.

اوایلوف (۲۰۰۵)، برای بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات الگوی زیر را ارائه داده است:

1. Weinhold (1999).

2. Vavilov (2005).

(۲)

$$X_t = f(GDP_t, ExRate_t, InwFDIstock_{t-1}, InwFDIstock_{t-2}, OutFDIstock_{t-1}, OutFDIstock_{t-2})$$

در الگوی واویلر، X صادرات، GDP تولید ناخالص داخلی، ExRate نرخ ارز، InwFDIstock ذخیره FDI ورودی و OutFDIstock ذخیره FDI خروجی می‌باشد. الگویی که در این تحقیق از آن استفاده می‌شود، از ترکیب دو الگوی بالا به دست می‌آید، که به صورت زیر است:

$$Ex_{it} = f(Exchange\ Rate_{it}, I_{it}, GDP_{it}, FDIOP_{it}) \quad (۳)$$

که در آن، Ex_{it} صادرات، $ExchangeRate_{it}$ نرخ ارز، I_{it} سرمایه‌گذاری داخلی، GDP_{it} تولید ناخالص داخلی، $FDIOP_{it}$ متغیر ضربی FDI (جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و $Openness$ (درجه باز بودن اقتصاد) کشور i در سال t می‌باشد.

در این تحقیق، بر اساس نظریه باگواتی، به منظور بررسی تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، از متغیر ضربی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد ($FDIOP$) استفاده شده است. ضریب مثبت متغیر $FDIOP$ ، نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات تحت تأثیر درجه باز بودن اقتصادی کشورهای میزبان می‌باشد، به این معنی که هر چه درجه باز بودن اقتصاد کشور میزبان بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر بیشتری بر صادرات آن کشور می‌گذارد. به عبارت دیگر، ضریب مثبت متغیر ضربی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت کشورهای میزبان، بستگی به شرایط محیطی ایجاد شده، بر اساس نوع استراتژی توسعه اتخاذ شده دارد. اساساً کشورهایی که راهبرد جایگزینی واردات را در پیش می‌گیرند، از مزیت نسبی در بخش‌های سرمایه‌برخوردار نیستند، لذا با توجه به این که سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در بخش‌های سرمایه‌بر استفاده می‌شود. از این رو،

سرمایه گذاری خارجی اثر لازم را بر رشد اقتصادی نمی گذارند. از طرفی، سرمایه گذاری خارجی راهی برای ورود بنگاه‌های خارجی برای فعالیت اقتصادی در کشور دریافت کننده سرمایه گذاری خارجی است که این امر با اهداف راهبرد جایگزینی واردات در تضاد است. اما تحت راهبرد توسعه صادرات، با توجه به نیروی کار و مواد اولیه ارزان این گونه کشورها، سرمایه گذاران خارجی برای استفاده از این نهاده‌های ارزان، انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری دارند. از طرف دیگر، وقتی راهبرد توسعه صادرات حاکم است، بازار محصول داخلی محدود به مرزهای داخلی کشور مزبور نیست، بلکه فراتر از بازار داخلی و در سطح بین‌المللی، از مقیاس بزرگ اقتصادی استفاده می‌کند.

در ادامه به رابطه سایر متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق با متغیر وابسته (صادرات یا واردات) از لحاظ نظری اشاره می‌شود:

الف - نرخ ارز^۱

نرخ ارز، به عنوان معیار ارزش برابری پول ملی یک کشور در برابر پول کشورهای دیگر، منعکس کننده وضعیت اقتصادی آن کشور در مقایسه با شرایط اقتصادی سایر کشورهاست. در یک اقتصاد باز، نرخ ارز به دلیل ارتباط متقابل آن با سایر متغیرهای داخلی و خارجی، متغیری کلیدی است که سیاست‌های اقتصادی داخلی و خارجی و تحولات اقتصادی، تأثیرات بسیاری بر آن می‌گذارند. در مقابل، نرخ ارز نیز متغیری است که می‌تواند عملکرد اقتصاد و متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.^۲

از لحاظ نظری، صادرات تابعی از سطح قیمت‌های داخلی کشور و نرخ ارز می‌باشد. از سوی دیگر، واردات تابعی از سطح قیمت‌های داخلی کشور، نرخ ارز و همچنین تولید داخلی است. با توجه به این که تغییر در نرخ ارز، باعث تغییراتی در میزان صادرات و واردات، و در نتیجه تولید خواهد شد، بنابراین در تعادل کلی با تغییراتی در سطح قیمت‌ها همراه خواهد بود. بدین ترتیب، اگر افزایش در نرخ ارز که همان کاهش ارزش پول

1 . Exchange Rate

۲ . حلافی و همکاران، (۱۳۸۳).

داخلی است، باعث گران‌تر شدن واردات شود، کشور از واردات خود می‌کاهد و به سوی محصولات داخلی جایگزین واردات جلب می‌شود. از سوی دیگر، ارزان‌تر شدن قیمت کالاهای صادراتی کشور برای بازار سایر کشورها جذاب‌تر می‌شود و باعث افزایش قابلیت رقابت کشور، و در نتیجه، افزایش میزان صادرات می‌گردد.^۱

در زمینه واردات، با افزایش نرخ ارز (کاهش ارزش پول)، به دلیل افزایش قیمت کالاهای خارجی نسبت به کالاهای مشابه داخلی، حجم واردات کاهش می‌یابد. در نتیجه، تغییر در ارزش واردات کشور به میزان تغییر در سطح قیمت داخلی واردات و تغییر در حجم واردات بستگی دارد. کاهش ارزش پول از یک سو، باعث کاهش تقاضا برای واردات کالاهای خارجی به دلیل افزایش قیمت واردات شده و از این رو به کاهش واردات منجر می‌شود و از سوی دیگر، همان طوری که در بالا اشاره شد، صادرات را افزایش می‌دهد و با افزایش صادرات، درآمدهای داخلی افزایش یافته، لذا تقاضای داخلی افزایش می‌یابد و در صورتی که تولیدات داخلی، پاسخگوی این افزایش تقاضا نباشد، منجر به افزایش واردات می‌شود. همچنین به دلیل سودآور بودن صادرات، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش یافته و باعث افزایش واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای می‌شود. بنابراین، نتیجه امر به اثر غالب هر کدام از عوامل فوق بستگی دارد.^۲ از این رو از لحاظ نظری، نرخ ارز بر واردات اثر مشخصی ندارد. به عبارت دیگر، تغییر نرخ ارز ممکن است واردات را افزایش یا کاهش دهد.

ب - تولید ناخالص داخلی (GDP)

درباره اثر رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص داخلی) بر تجارت بین‌الملل، دو مسأله وجود دارد که عبارتند از اثر رشد بر شرایط مبادله و اثر رشد - از طریق اثر بر تجارت بین‌الملل - روی رفاه اقتصادی. غالباً برای بررسی نظری آثار رشد اقتصادی بر تجارت بین‌الملل، فرض می‌شود که هر کشور دارای قابلیت‌های عوامل تولید، فناوری مشخص و

۱. برانسون، (۱۳۸۳).

۲. سلمان‌پور زنوز، (۱۳۷۶).

تغییرناپذیری است (یعنی دارای منحنی امکانات تولید معین است) و همچنین سلیقه‌های افراد، مشخص و غیر قابل تغییر است (لذا منحنی بی تفاوتی مشخصی دارند). حال اگر قابلیت‌های یک کشور، از ناحیه عوامل تولید تغییر کند و یا فناوری بهبود یابد، این تغییرات سبب می‌شود که منحنی امکانات تولید کشور، تغییر مکان یابد. تغییر در سلیقه‌های افراد یک کشور نیز، منحنی بی تفاوتی جدیدی را به دست می‌دهد. تمامی این تغییرات، بر رابطه مبادله و حجم تجارت اثر می‌گذارد، اما این که تا چه حد، رابطه مبادله و حجم تجارت، تحت تأثیر قرار می‌گیرند، به مقدار و نوع تأثیری بستگی دارد که رخ می‌دهد.^۱

کوچک بودن ابعاد بازارهای داخلی، یکی از مشکلات عمده برخی از کشورهای در حال توسعه است. به این معنی که بازارهای این کشورها، توانایی و ظرفیت جذب کالاهای تولید شده را ندارند. محدود بودن اندازه بازارهای داخلی، سبب کاهش اثرات سرریز سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، اثربخشی اثرات ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد. بدیهی است که توان اقتصادی یک کشور، در تولید ناخالص داخلی (GDP) آن نهفته است، لذا تولید ناخالص داخلی، نشان‌دهنده اندازه بازار^۲ داخلی یک کشور است. از این رو، هرچه تولید ناخالص داخلی کشورهای میزبان بیشتر باشد، اندازه بازار داخلی در این کشورها وسیع‌تر بوده و در نتیجه، اثرات ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها، اثر بخش‌تر خواهد بود.

از لحاظ نظری، افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) منجر به افزایش درآمد و در نتیجه افزایش تقاضای داخلی می‌شود و در صورتی که تولید داخلی نتواند پاسخگوی افزایش تقاضا باشد، واردات افزایش می‌یابد. همچنین، افزایش تولید ناخالص داخلی به دلیل افزایش آهنگ رشد تولید کل سبب افزایش صادرات می‌گردد.^۳ از این رو، تولید ناخالص داخلی دارای اثر مثبتی بر صادرات و واردات است.

۱. فرهادی، (۱۳۸۳)

2. Market size

۳. نوفرستی، (۱۳۸۴)

۲-۲. تجزیه و تحلیل الگو

در این بخش، برای بررسی تأثیر باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، از الگوی زیر استفاده می‌شود:

(۴)

$$Ex_{it} = \alpha + \beta_1 \text{Exchange Rate}_{it} + \beta_2 I_{it} + \beta_3 \text{GDP}_{it} + \beta_4 \text{FDIOP}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این تحقیق، داده‌های مربوط به صادرات و واردات کالاها و جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از آمارهای منتشر شده در سایت آنکتاد در سال ۲۰۰۷ گرفته شده است. داده‌های نرخ ارز از آمارهای منتشر شده صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۱ در سال ۲۰۰۵^۲ اخذ شده است. همچنین، به جای متغیر سرمایه‌گذاری داخلی از میزان تشکیل سرمایه ناخالص به عنوان متغیر جایگزین^۳ استفاده شده و داده‌های آن از آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی^۴ در سال ۲۰۰۶^۵ اخذ گردیده است. داده‌های تولید ناخالص داخلی از آمارهای منتشر شده در سایت صندوق بین‌المللی پول با عنوان چشم‌انداز اقتصادی جهان (WEO)^۶ در سال ۲۰۰۷ به دست آمده است. لازم به ذکر است که تمام این داده‌ها به قیمت جاری بوده و بر حسب میلیون دلار می‌باشد. معمولاً برای تعریف درجه باز بودن اقتصاد از نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی (مجموع صادرات و واردات به GDP) استفاده می‌شود، اما آنچه که در این مطالعه، به عنوان درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفته می‌شود، جزء دوم شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج^۷ (آزادی تجاری)^۸ است که آمارهای مربوط به آن از سایت بنیاد هریتیج اخذ گردیده است. از آنجا که بنیاد هریتیج آمارهای مربوط به شاخص آزادی اقتصادی و اجزاء آن را از بعد از سال ۱۹۹۵ منتشر

-
- 1 . International Monetary Fund (IMF)
 - 2 . International Financial Statistics (IFS), 2005, CD ROM
 - 3 . Proxy
 - 4 . World Bank
 - 5 . World Development Indicators (WDI), 2006, CD ROM
 - 6 . World Economic Outlook (WEO)
 7. Heritage Foundation
 8. Trade freedom

نموده است، از این رو در این تحقیق، دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ در نظر گرفته شده است.

لازم به ذکر است که روش مورد استفاده در این تحقیق، روش داده‌های تابلویی^۱ است و برای برآورد الگو از نرم‌افزار Stata استفاده شده است. برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی^۲ (روش ترکیبی OLS) از آماره F لیمر^۳ استفاده می‌شود. در این آزمون، فرضیه H_0 داده‌های تلفیقی (روش ترکیبی OLS) و فرضیه مقابل H_1 ، روش داده‌های تابلویی است. اگر بعد از انجام دادن آزمون F، فرضیه H_0 رد شده باشد، از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که الگو در قالب کدام یک از روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، قابل بررسی است. آزمون هاسمن^۴ برای تعیین روش تخمین در روش داده‌های تابلویی به کار می‌رود. در این آزمون، فرضیه H_0 روش اثرات تصادفی و فرضیه مقابل H_1 ، روش اثرات ثابت است و در صورتی که فرضیه H_0 رد شود، روش مورد استفاده برای تخمین، روش اثرات ثابت خواهد بود.

نتایج تخمین الگو برای کل نمونه مورد بررسی (شامل ۲۴ کشور آسیایی و اقیانوسیه)^۵ در جدول (۱) آمده است. در این تخمین، F لیمر برابر ۲۳/۶۸ و آزمون هاسمن برابر ۱۳۶/۹۵ می‌باشد. در نتیجه الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت برآورد می‌شود. در این تخمین، اثر سرمایه‌گذاری داخلی بر صادرات در کل نمونه، منفی و معنی‌دار است، در حالی که تولید ناخالص داخلی، اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات در

1. Panel data

2. Pooling

3. F_{Leamer}

4. Hausman Test

۵. کشورهای منتخب در این تحقیق، به دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه (شامل ۱۲ کشور) و کشورهای غرب آسیا (شامل ۱۲ کشور) تقسیم می‌شوند که کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه عبارتند از: چین، هنگ کنگ، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، ژاپن، استرالیا، نیوزلند و فیجی و کشورهای غرب آسیا شامل ایران، ترکیه، عربستان سعودی، اردن، امارات متحده عربی، بحرین، سوریه، کویت، لبنان، عمان، قطر و یمن می‌شود.

کل کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه دارد. همچنین، اثر نرخ ارز واقعی بر جریان صادراتی این کشورها معنی‌دار نبوده است. این نتیجه بیانگر این واقعیت است که هنوز جریان‌های تجاری بین کشورهای شرق و غرب آسیا تحت تأثیر روابط پولی آن‌ها از جمله متغیر مهمی مانند نرخ ارز قرار ندارد. دلیل عمده آن نیز می‌تواند در وجود رژیم‌های متفاوت ارزی اعم از تثبیت شده، شناور و یا شناور مدیریت شده باشد.

جدول ۱ - نتایج تخمین الگو در کل کشورهای منتخب آسیا و اقیانوسیه (۱۹۹۵-۲۰۰۵)

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره t	R^2	F لیمر	آزمون هاسمن
نرخ ارز	-۰/۰۳۳۱	-۰/۴۸ (۰/۶۳)*	۰/۶۸	۲۳/۶۸ (۰/۰۰)	۱۳۶/۹۵ (۰/۰۰)
سرمایه‌گذاری داخلی	-۰/۴۰۶۵	-۶/۸۶ (۰/۰۰)			
تولید ناخالص داخلی	۰/۳۸۰۱	۱۷/۲۸ (۰/۰۰)			
متغیر ضریبی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد	۰/۱۹۰۷	۵/۰۷ (۰/۰۰)			

منبع: یافته‌های تحقیق

* اعداد داخل پرانتز، مقدار Prob را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج این تخمین، اثر متغیر ضریبی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد (FDIOP) بر صادرات کل نمونه مورد بررسی مثبت و معنی‌دار است. ضریب مثبت متغیر FDIOP نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کل نمونه، تحت تأثیر درجه باز بودن اقتصادی کشورهای میزبان می‌باشد، به این معنی که هر چه درجه باز بودن اقتصاد کشور میزبان بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر بیشتری بر صادرات در کل کشورهای مورد بررسی می‌گذارد. از آنجا که در این تحقیق، متغیر درجه باز بودن اقتصاد به عنوان یک متغیر جایگزین برای راهبرد تجارت خارجی در

نظر گرفته شده است، لذا درجه بالای باز بودن اقتصاد، نشان‌دهنده راهبرد برون‌گرایی (استراتژی توسعه صادرات) و درجه پایین باز بودن اقتصاد، نشان‌دهنده راهبرد درون‌گرایی (استراتژی جایگزینی واردات) کشورها در تجارت خارجی است. از این رو، ضریب مثبت متغیر ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد نشان می‌دهد که هرچه کشورها برون‌گراتر باشند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر بیشتری بر صادرات در کل کشورها می‌گذارد.

الگوی این تحقیق برای دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا نیز برآورد شده است که نتایج آن در جدول (۲) مشاهده می‌گردد. برای گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، F لیمر برابر ۲۰/۷۰ و هاسمن برابر ۷۵/۰۲ و برای گروه کشورهای غرب آسیا، F لیمر برابر ۲۱/۱۹ و هاسمن برابر ۱۲/۵۶ می‌باشد، از این رو در مورد هر دو گروه مورد بررسی، الگو به صورت داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت برآورد می‌شود.

جدول ۲- نتایج تخمین الگو در دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا (۱۹۹۵-۲۰۰۵)

کشورهای غرب آسیا			کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه			متغیرهای مستقل
R^2	آماره t	ضریب	R^2	آماره t	ضریب	
۰/۸۰	-۲/۵۲ (۰/۰۱۳)	-۰/۰۰۹۸	۰/۶۸	۰/۹۱ *(۰/۳۶)	۳/۴۸۷۱	نرخ ارز
	-۱/۱۰ (۰/۲۷۲)	-۰/۱۳۸۵		-۴/۷۱ (۰/۰۰)	-۰/۳۹۳۸	سرمایه‌گذاری داخلی
	۱۱/۴۷ (۰/۰۰)	۰/۴۴۰۸		۱۲/۰۷ (۰/۰۰)	۰/۳۷۴۳	تولید ناخالص داخلی
	۴/۷۷ (۰/۰۰)	۰/۳۶۶۱		۳/۵۵ (۰/۰۰۱)	۰/۱۸۸۲	متغیر ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد

کشورهای غرب آسیا		کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه		متغیرهای مستقل
R^2	ضریب	R^2	ضریب	
	۲۱/۱۹ (۰/۰۰)		۲۰/۷۰ (۰/۰۰)	F لیمر
	۱۲/۵۶ (۰/۰۱۴)		۷۵/۰۲ (۰/۰۰)	آزمون هاسمن

منبع: یافته‌های تحقیق

* اعداد داخل پرانتز، مقدار Prob را نشان می‌دهد.

نتایج این تخمین در جدول (۲) نشان می‌دهد که اثر متغیر ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد (FDIOP) بر صادرات در هر دو گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه و کشورهای غرب آسیا، مثبت و معنی‌دار است. در این تخمین، ضریب متغیر FDIOP در کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه برابر ۰/۱۹ و در کشورهای غرب آسیا برابر ۰/۳۷ است، به گونه‌ای که این اثر در کشورهای غرب آسیا قوی‌تر است. کشورهای شرق آسیا در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵ به برون‌گرایی روی آورده بودند و درجه باز بودن اقتصاد در این کشورها بالا بوده است، در نتیجه دامنه تغییرات درجه باز بودن اقتصاد در این کشورها اندک است. اما در مقابل، کشورهای غرب آسیا کشورهایی درون‌گراترند. این کشورها به تدریج به برون‌گرایی روی آورده‌اند، در نتیجه دامنه تغییرات درجه باز بودن اقتصاد در کشورهای غرب آسیا در دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۵ بیشتر است. از این رو، می‌توان گفت که نرخ تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در غرب آسیا بیشتر است.

جمع‌بندی و ملاحظات

فرضیه این مقاله، مبتنی بر تأثیر مثبت درجه باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کل نمونه و در دو گروه مورد بررسی یعنی کشورهای غرب آسیا و گروه کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه، قابل رد نمی‌باشد. بر اساس نتایج تخمین الگو در جدول (۱)، درجه باز بودن اقتصاد بر اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی بر صادرات کل نمونه در سطح معنی‌داری ۵ درصد، اثر مثبت و معنی‌داری دارد و بر اساس نتایج تخمین الگو در جدول (۲)، درجه باز بودن اقتصاد بر اثر گذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات اثر مثبت و معنی‌داری در سطح معنی‌داری ۵ درصد در کشورهای غرب آسیا و کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه دارد.

ضریب مثبت متغیر ضریبی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد (FDIOP)، نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در کل نمونه و در دو گروه مورد بررسی، تحت تأثیر درجه باز بودن اقتصادی کشورهای میزبان می‌باشد، به این معنی که هر چه درجه باز بودن اقتصاد کشور میزبان بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر بیشتری بر صادرات در کل کشورهای مورد بررسی می‌گذارد. از آنجا که در این تحقیق، متغیر درجه باز بودن اقتصاد به عنوان یک متغیر جایگزین برای راهبرد تجارت خارجی در نظر گرفته شده است، لذا درجه بالای باز بودن اقتصاد، نشان‌دهنده راهبرد برون‌گرایی (استراتژی توسعه صادرات) و درجه پایین باز بودن اقتصاد، نشان‌دهنده راهبرد درون‌گرایی (استراتژی جایگزینی واردات) کشورها در تجارت خارجی است. از این رو، ضریب مثبت متغیر ضریبی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد نشان می‌دهد که هر چه کشورها برون‌گراتر باشند، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر بیشتری بر صادرات در کل کشورهای مورد بررسی می‌گذارد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، باز بودن اقتصاد بر اثر گذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، دارای اثر مثبت و معنی‌داری است. از این رو، به کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران توصیه می‌شود که برای اثر گذاری بیشتر این نوع سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌برداری بیشتر از منافع آن، راهبرد برون‌گرایی را در تجارت خارجی خود اتخاذ نموده و شرایط را برای صادرات تسهیل نمایند. در عمل، تعامل بین سیاست‌های برون‌گرایی و جذب منابع خارجی برای سرمایه‌گذاری به‌ویژه در قالب همکاری‌های مشترک با کشورهای آسیایی مطرح شده در این مطالعه، زمینه ساز توسعه ظرفیت‌های صادراتی کشورمان خواهد بود. در این راستا، حذف موانع تجاری و سرمایه‌ای در تعمیق راهبرد برون‌گرایی کارساز است.

منابع

- اخوی، احمد (۱۳۷۳)؛ تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- برانسون، ویلیام. اچ. (۱۳۸۳)؛ تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، تهران.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۴)؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- بهنام مجتهدی، ایرج (۱۳۷۳)؛ «شرکتهای چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهانی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۸۱-۸۲، خرداد و تیر، صص ۹۸-۱۰۷.
- بهنام مجتهدی، ایرج (۱۳۷۳)؛ «شرکتهای چند ملیتی در صحنه اقتصاد جهانی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۸۳-۸۴، مرداد و شهریور، صص ۹۸-۱۰۵.
- پاکدامن (۱۳۷۲)؛ چین، «گام گذاری در اقتصاد بازار با مناطق ویژه اقتصادی»، *مجله مناطق آزاد*، شماره ۳۵، صص ۱۴-۲۶.
- حلافی و همکاران (۱۳۸۳)؛ «انحراف نرخ ارز واقعی و رشد اقتصادی در اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی ایران*، پاییز، شماره ۱۴، صص ۱۸۸-۱۶۷.
- سلیمان پور زوز، علی (۱۳۷۶)؛ اثرات تغییر نرخ ارز بر صادرات و واردات کشور (۷۳-۱۳۴۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران.
- عباسی، منصوره (۱۳۸۲)؛ بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌های مستقیم خارجی و موانع آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تهران.
- فرهادی، علیرضا (۱۳۸۳)؛ «بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۸۴، فروردین و اردیبهشت.
- کازرونی، علیرضا (۱۳۸۲)؛ «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نوسازی بخش صنعتی ایران»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۹۴-۱۹۳، مهر و آبان، صص ۱۹۱-۱۸۰.
- ملکی، مهران (۱۳۸۲)؛ بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با

- تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی، ابوالقاسم (۱۳۸۳)؛ «تحلیلی بر نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، پاییز، صص ۲۰۸-۱۸۱.
- یاوری، کاظم و رحمان سعادت، (۱۳۸۴)؛ «اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران: راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، شماره ۲۷، پاییز.
- Baltagi, B. H. (1995); "*Econometric Analysis of Panel Data*", John Wiley & Sons Inc., (Eds), New York, USA.
- Greene, William, H. (2001); *Econometric Analysis*, New York University, fifth edition.
- Kmenta (1990); "*Element of Econometrics*", Maxcell Macmillan.
- Sebastian (1993); "Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries", *Journal of Economic Literature*., Sept, pp. 1373-1375.
- UNCTAD (2007); "Transnational Corporations, Extractive Industries and Development", *World Investment Report*. United Nations Publication.
- UNCTAD (2006); "FDI from Developing and Transition Economies: Implications for Development," *World Investment Report*, United Nations publication.
- UNCTAD (2005); "Transnational Corporations", *Transnational Corporations Journal*, United Nations publication, Vol. 14, No. 3.
- UNCTAD (2002); "Transnational Corporations And Export Competitiveness", *World Investment Report*, United Nations publication.
- UNCTAD (2001); "*Beyond 20-21 Maps CD-Rom*", Vol.5.3.
- Vavilov, Semyon (2005); "*Trade & FDI in Petroleum Exporting Countries: Complements or Substitutes?*", University of Paris.
- Weinhold, Diana and Reichert, Usha Nair (1999); "*Causality Test for Cross-Country Panels: New look at FDI and Economic Growth in Developing Countries*," London School of Economics, April.
- WWW.UNCTAD.org
- WWW.IMF.org
- WWW.worldbank.org
- WWW.heritage.com